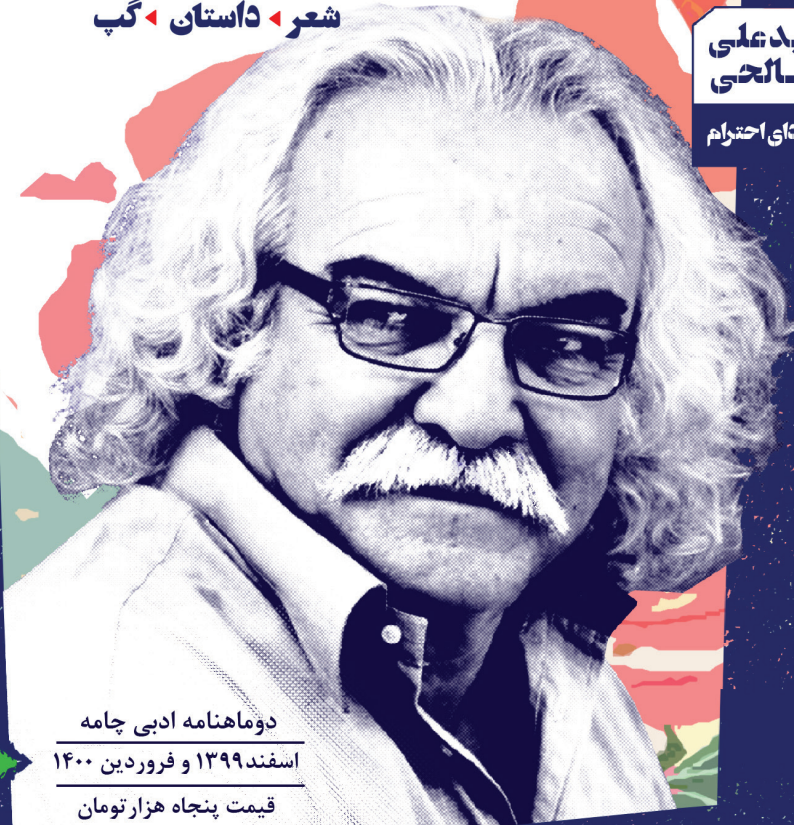


# گل

شعر < داستان < گپ

فدیه‌ها  
صالحی

ادای احترام



دوماهنامه ادبی چامه

اسفند ۱۳۹۹ و فروردین ۱۴۰۰

قیمت پنجاه هزار تومان

۱۶





◀ پیش از مردنم  
همه خانه‌ها را خراب می‌کنم  
▶ الا کلماتم را

---

مُحَمَّدُ بْنُطَلْحَةَ



## چاه شماره ۱۶

صاحب امتیاز و مدیر: محمدصادق رحمانیان  
شماره تلفن: ۰۹۱۲۱۴۸۶۹۶۱

مدیر هنری: ابوذر ابراهیم  
حروفچینی: راضیه آخوندی  
مدیر اجرایی: محمداسماعیل حق پرست  
روابط عمومی و اشتراک: زهرا منتظری

نشانی: تهران، ستاری جنوبی، لاله شرقی، بنفشه نهم، کوچه یاس  
پلاک ۲، واحد ۱۰، کد پستی: ۱۴۷۳۹۹۶۴۷۶

chameh1397@gmail.com  
www.chamehmag.ir

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران ۰۲۵۳۶۶۶۶۶۶  
تهران و شهرستان: بخش چشمه: ۷۷۱۴۴۸۲۱ - ۷۷۱۴۴۸۰۸  
دکه های تهران: نشرگستر امروز نوین ۰۲۱۵۴۰۸۱۰۰۰



پنجاه هزار تومان



شعر ◀ داستان ◀ گپ

---

c h a m e h



دوماهنامه ادبی چامه

---

سال سوم، شماره شانزدهم

اسفند ۱۳۹۹ و فروردین ۱۴۰۰



## داستان

۲۹-۲۰

نشاط  
داودی

ابراهیم  
خدادوست

نوشین  
ابراهیمی



## شعر

سینامک  
روشن

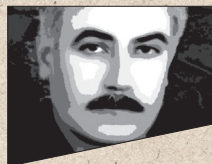
روح الله  
رویین

مونا  
عطایی

کیومرث  
پورملک

نادر  
احمدی

عبدالرسول  
آقایی



## شعر

۱۳-۱۲

قاسم  
آهنین جان

۴۷-۳۰  
علی رضا  
پنجه ای

مسعود  
میری

مصطفی  
محدثی خراسانی

علی  
جهانگیری

شهرام  
پوررستم

محسن  
خورشیدی



## چامه‌ورزی

۱۱-۱۰

صادق  
رحمانی

ضیاء الدین  
خالقی





## چامک

۲۰۵ - ۱۶۴

حمید اسدپور

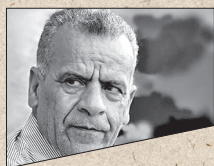
فردوس اعظم

سبحان اعظم زاد

ثریا حکیم آوا

فرانتس کافکا

رامین یوسفی



## شعر و ترجمه

۱۶۳ - ۱۴۸

موسی بیدج

محمد الامین  
الکرخی

لودمیلا  
پتروشفسکایا

بهمن  
بلوک نخجیری

سامره عباسی

نچوان درویش

فرشاد سنبل دل

اسکندر صالحی

ملک نعمت  
نعمت زاده



## گپ

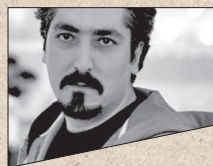
۱۴۷ - ۱۰۲

محمد جعفر  
یا حقی

علی  
عظیمی نژادان

احمد  
آرام

اسماعیل  
مسیح گل



## ویژه نامه

۱۰۱ - ۴۸

حسین فرخی

برزو گوزران

عارف قزوینی

هادی حسینی نژاد

حمیدرضا  
شکارسری

عباس  
کریمی عباسی

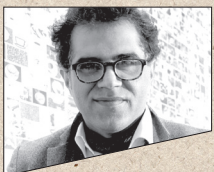
مائده امینی

ساسان فریدی فر

محمد آشور  
یلدا طیسی

سعید مقدادی

حانیه فراهانی

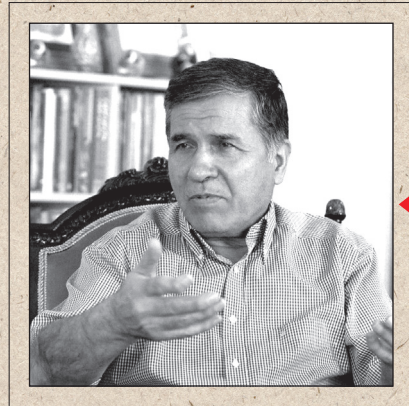




◀ ۳۹

شهرام پوررتهم

**شعر**



◀ ۱۲۲

محمدجعفر یاحقی

**گفت و گو**



◀ ۱۹۲

فردوس اعظم

**داستان تاجیک**

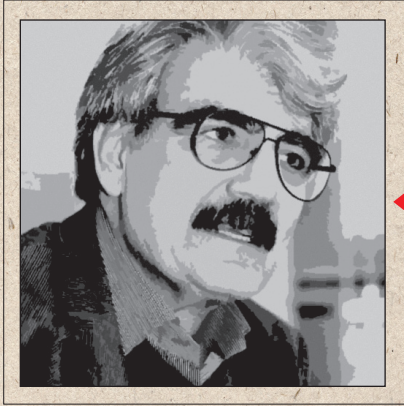


◀ ۱۶۶

حمید ادپور

**جُتار**

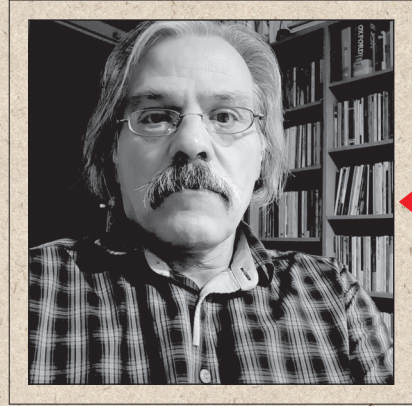




◀ ۱۵۰

**هوسی بیدج**

**ترجمه شعر**



◀ ۵۸

**حسین فرخی**

**پرونده ویژه**



◀ ۱۸۲

**لودمیلا پتروشچکایا**

**داستان ترجمه**



◀ ۷۶

**مائه امینی**

**پرونده ویژه**



۷۲

حمیدرضا شکارسری

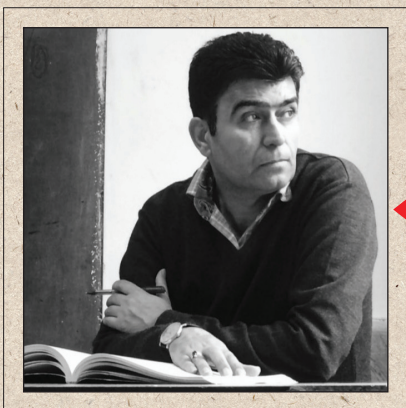
**خوانش شعر**



۳۴

مهدود هیبری

**شعر زمان**



۱۹۸

راهین یوسفی

**یادداشت کتاب**



۱۵۲

نجوان درویش

**شعر دیگران**



◀ ۱۵۴

**فرشاد سبزدل**

**شعر امروز**



◀ ۲۴

**ابراهیم خدادوست**

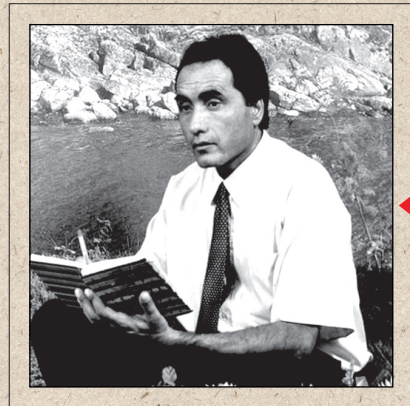
**داستان**



◀ ۳۷

**مصطفی محدثی خراسانی**

**شعر زمان**



◀ ۱۶۲

**هلک نعمت نعمت زاده**

**شعر تاجیکستان**

دست  
در دست  
واژه‌های  
شریف



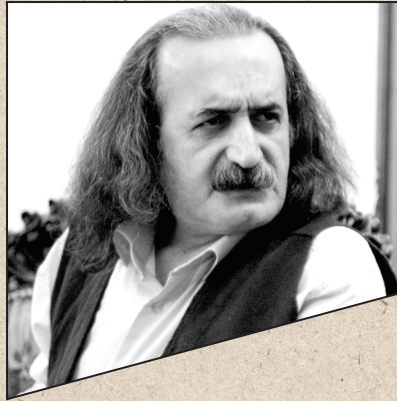
صادق رحمانی

اکنون نیم قرن از شاعری سیدعلی صالحی می‌گذرد. او زندگی‌اش را وقف کلمه و تخیل کرده و در این مسیر خننگ‌زارهای ملامت را پشت سر گذاشته است. شعر آن قدر برای او و یاران دیگرش در سرزمین نفت و کلمه با اهمیت بوده است که به صورت جمعی و پنج نفره مطالعاتی را پی می‌گیرند تا راهی را که نیما یوشیج در شعر فارسی گشود، به گونه‌ای دیگر هموارتر کنند. کار آنان سرانجام در صفحه «تماشا» دیده می‌شود و جامعه ادبی دهه پنجاه را در می‌نوردد. شاید دلیل موفقیت آنها را بتوان در درک و دریافت تازه‌شان از پیرامون و ایجاد مفاهیمی نو در کمترین کلمات جست‌وجو کرد. درست است که از پس چندین و چند سال، موج ناب که جهانی خاص و مستقل را در فرم شعر شکل داد، از تپش و تکاپو ایستاد، اما هم هرمز علی‌پور و هم سیدعلی صالحی میدان را واگذار نکردند و بیرون از جهانی که ساخته بودند باز هم به میدان‌داری پرداختند. دوماهنامه ادبی چامه در شماره چهارم (اسفند ۱۳۹۷ و فروردین ۱۳۹۸) ویژه‌نامه‌ای را با محوریت یارمحمد اسدپور و موج ناب منتشر کرد که زوایای پنهانی از ادبیات معاصر ایران را برای نسل علاقه‌مند امروز آشکار ساخت. اکنون یک سال از آن ویژه‌نامه می‌گذرد و این شماره چامه نیز با حکایت اصیل و دست اول سیدعلی صالحی که خود از جمله بنیانگذاران این نسل ادبی در سال ۱۳۵۵ بوده، گویی تکمله‌ای بر شماره چهارم چامه است.

سیدعلی صالحی، در دو دهه گذشته با در نظر داشتن پیشنهاد نیما یوشیج در نزدیک‌تر کردن کلام به حالت طبیعی گفت‌وگو، شعر گفتار را پایه‌ریزی کرد و بسیاری از علاقه‌مندان جدی ادبیات را به سمت جادوی کلمات کشاند. شگردی که قبلاً در شعر «مرگ ناصری» احمد شاملو و برخی از شعرهای فروغ فرخزاد تجربه شده بود. سید در نامه‌ای که به یارمحمد اسدپور نوشته است از سرشت و سرنوشت خود با کلمه چنین می‌گوید: «ما دست واژه‌های شریف را می‌گیریم تا نگذاریم آن حقیقت نجات‌دهنده تنها بماند.»

اکنون و در پایان این چامه‌ورزی از همه دوستانی که در این ویژه‌نامه قلم زدند سپاسگزارم و عنان سخن را به دست دوست گرامی ضیاءالدین خالقی وامی‌سپارم تا چنین گوید که ...

## از گفتار کلام تا حکمت کلمه



### هنیاء الدین خالقی

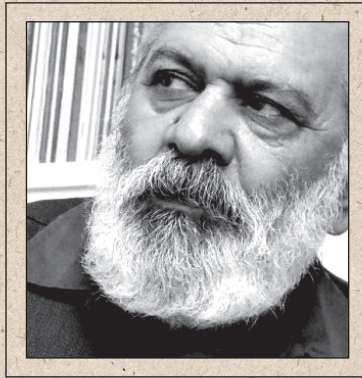
مسجد سلیمان هم مثل لنگرود، شهری است که دیروز نه چندان کوچک بود و امروز نه چندان بزرگ است؛ اما همیشه بسیار شاعرپرور بوده است. سید از شهری شاعرپرور به تهران که محل رشد و شناخته شدن بود آمد؛ اما نه به نیت شهرت، بلکه برای پیدا کردن کار؛ هر چند کار مناسبی پیدا نکرد، اما با دریافت «جایزه ی فروغ»، شهرتی زود هنگام و شاید به هنگام به دست آورد.

بی شک این جایزه، تلنگر به جایی بود که توانست در سن و زمانی مناسب، به سید جدیت در کار را گوشزد کند و حرفه ای بودن را بیاموزد و او را آماده ی دریافت و شکار فرصت ها و موقعیت هایی دیگر و بهتر و برتر کند و مهم تر از هر چیز، این شانس و به هنگامی نابهنگامی جایزه. او را نسبت به هر چیز هوشیارتر سازد. زیرا جایزه ی فروغ مثل جایزه های این روزها نبود که نام به دست آوردگان مقام اولش، تنها چند روز بر سر زبان ها باشد؛ آن هم به زور و ضرب عصر ارتباطات! بلکه این گونه جایزه ها شاعر را بیمه می کرد؛ همان گونه که نام حسین منزوی و سید را بیمه کرد و همیشه بر سر زبان ها نگاه داشت و آسمان شعر را برای پرواز پرندگان شعر آنان آماده کرد؛ آسمان غزل را برای منزوی و آسمان شعر سپید را برای سید علی صالحی.

شعر صالحی تا اوایل دهه ی ۶۰ ظاهری ساده داشت، با کلماتی اغلب لطیف و شاعرانه؛ کلماتی مثل پرواز، آسمان، ستاره، خورشید و... کلماتی اغلب آسمانی. بعد از انقلاب و با دفتر «عاشق شدن به دی ماه...» سید با حفظ کلمات لطیف و شاعرانه، به روشنی و وضوح معنا و محتوا در شعر نیز می رسد و یا القای معنای شعر در کنار احساس شعر.

سید این سادگی را در کلیت و ترکیب کلی شعر خود هرگز رها نکرد؛ یک نوع سادگی و روشنی شاعرانه که تنها به شعر و زبان شعر سید تعلق دارد؛ سادگی شعری که همچون شعر سپهری که احساسش عموم مردم را جذب می کند، چندان سهل و ممتنع نیست، بلکه معنایش در روشنی و احساسش درک می شود.

شعر سید بعد از «گفتار»، فرهیخته تر می شود، و از نوعی مطوّل مطلوب، به سمت ایجازی مطلوب حرکت می کند؛ شعرهایی که اگر چه شهرت کمتری به دست آورده است، اما شعر ناب را نشانده رفته است؛ شعر نابی که با «موج ناب» فرق می کند.



و شیهه ای که دریا  
بیکران و  
موسیقار زنجره در کنج ها  
به نیمرخ از تو  
شب  
شب همیشه فدسی ست.

۳  
چون گفتمی از نیلوفرو  
رفتگی به خواب  
ماه به ویرانه درآمد  
بر کشته آفاق دشنه و  
پراز عقاب.

۴  
از خواب مرال می گویم  
از دامنه های مخمل و  
علف ها که روشن  
و باقی مهی که پشت پنجره  
سپیده در راه  
نور در چاه  
از خواب مرال می گویم.

۱  
و آشناری از شبی دارد  
پریزاد گمگشته  
چون به راه می آید و  
درخت ها روشن می کند بر خانه  
حضورش هاله ای امن است  
و آفتاب و نیشکر  
او که به چهر کامل می آید  
به نیمه شب  
و حضورش هاله ای امن است.

۲  
به سپیده آبران  
باران رُخان تو آینه می کند  
برق طاووس  
رخشان  
به خانه  
هماره در ساحت آفتاب  
سپیده برآ  
به سپیده آبران.

به نیمرخ از تو  
خواب علف تعبیر  
خواب گیاه  
آتش



## ۲۲ شعر قام آهنین جان

۷

چون زلف خویش  
به مهتاب میدهی  
یقین که مکاشفه در کار و  
اندک فراق به راه  
اما همیشه شاخه ای و  
غوغای مرغان  
چون زلف خویش  
به شب  
آوار  
قلب مرا  
تبار مرا.

۸

از جاده های قتال  
تا عمق ها  
تا عمق های مرم پیکر  
تا جزیره گیسوی تو امن  
تا سپیده مجروح عقاب

۹

همه چیز سامان  
هنجار  
چون نور که از میان بیرق ها

۵

ماه به ویرانه شد  
گل در سرای مغان  
چون به هم آمد  
شوق موی تو  
عطرِ ظلمات  
کفنی ماند و دگر هیچ  
تباه سایه ها  
آهوی دشت ختن بودی و  
بخت از من تباه  
بخت از من سیاه.

۶

نیلوفری  
در شتاب آیام  
نه پردریا  
نه بر چمنزاری از حلقه ماه  
نیلوفری برآینه  
درمه  
که خون می پاشد از عقاب سنگ  
و ستاره تا دورهای زخم  
دیگر تبی مُدام و  
خستگی مُدام.

پولاد و شیهه خسته شمشیر  
دمادم به سوی کتاب و مخملها  
و سرخی عصب  
در مقطع جنون  
کشف توبه به وقت بانگ خروس.

۱۰

نامت ندای درخت بود  
در حُزن کوه و دریای شعله ها  
ستاره بود و مرجان ها  
به سرگردانی آدم  
به روز  
حیران و  
به شب  
هوش  
حیی ابن یفضان  
من  
اسکندر بر خاک.

۱۱

سیر زمانه در چشم تو آشکار و  
أفق نیز هم  
با برق الماس هاش  
رها کن کمر به مرگ خویش بستن  
گل باش به خون عاشقان  
پروانه به دیار سماوات  
و خامشی نثار مرده گان و دریوزه  
سیر زمانه در چشم تو آشکار.

۱۲

و باد که می وزد و شب  
همه شکستن  
به لنگر و رباط تنهایی  
دریا  
گوشه ای و پیشانی تو  
روشن به صفیر بال  
و باد چون می وزد و شب

درختی تنها.

۱۳

بررود می سپارم این شقایق  
بررود بار جامه ات  
خانه سپید است  
سپید سپید  
از شب عاطر  
از شب تا گره در جگر  
بررود می سپارم این شقایق  
خاموش به بادیه  
تا باران  
این شقایق.

۱۴

و شب  
همیشه سایه به صحرای نیلوفر  
که دست تمنا  
شکسته از من و  
صدا  
سنگ است و  
ندایی که تو  
نه  
به صبح عَدَم  
شاید.

۱۵

درازدحام سنگ و هرگم گشتم  
درازدحام طوطیان و نیوفر  
درازدحام منشورهای درد  
زخم و زمستان و زوزه ها  
که مرا آوار  
ماندم  
تک درختی تنها.



۱۶

آنچه به شعله می برد و باز می آرد به تاریکی  
رگ هایی از پولاد و لاجورد  
مرگ است و

بی شکن

برمی چینی دامن از ینفشه ها  
نظر بر مُرده داری لب آب

لب شط

خلاصه زنده گانی به گوشه چشم و  
مرا خار بر جگر.

۱۷

صدایی از دور

می خواندم

به چمنزار حاشیه در غروب

اسب ابلق

اسب ماه

نعلی طلا

نعلی از فیروزه

و شب میان شاخه ها

صدایی از دور.

۱۸

چون برف از سپیدی خویش

می توان زخم خورد

می توان به گوشه ای

در خرابات

دل به آوای قمریان داد و

از سرما شنید

که وقت سفر به نیمروز

شاید.

۱۹

حضورت

براین تخت پولاد

حرمت به ستاره بود و زُمرد مات

مهتای نقره

تاییدی

بر ما مسافران خموش رودبار و  
جرس های زنگار.

۲۰

سهمی از تاریکی نداشت چهرت

که تابناک مرا چون ارغوان

و فراق که ردی سرخ

از آبی رگ ها

تا چهرتو

گاه دور

گاه نزدیک

شعله ای بر جگر.

۲۱

صدای اذان بود و

صدای تو

گل سرخ میدان عباسی

قد کشیده به تماشا

و شتاب در رفتن

عرق بر گل سرخ و

تو که غیبت زد به میدان عباسی

غروب بود و سایه ها که جمع

زیر رواق ها

درختی بود و

برفی بر آن.

۲۲

چشم تو آغاز آهوی خُتنی

به تنگه ها

به صحرای حیرانی

به صبحی که قلب

شکار افعی خاکستر

و رودی کنار خواب

روان

چشم تو آغاز آهوی خُتنی.

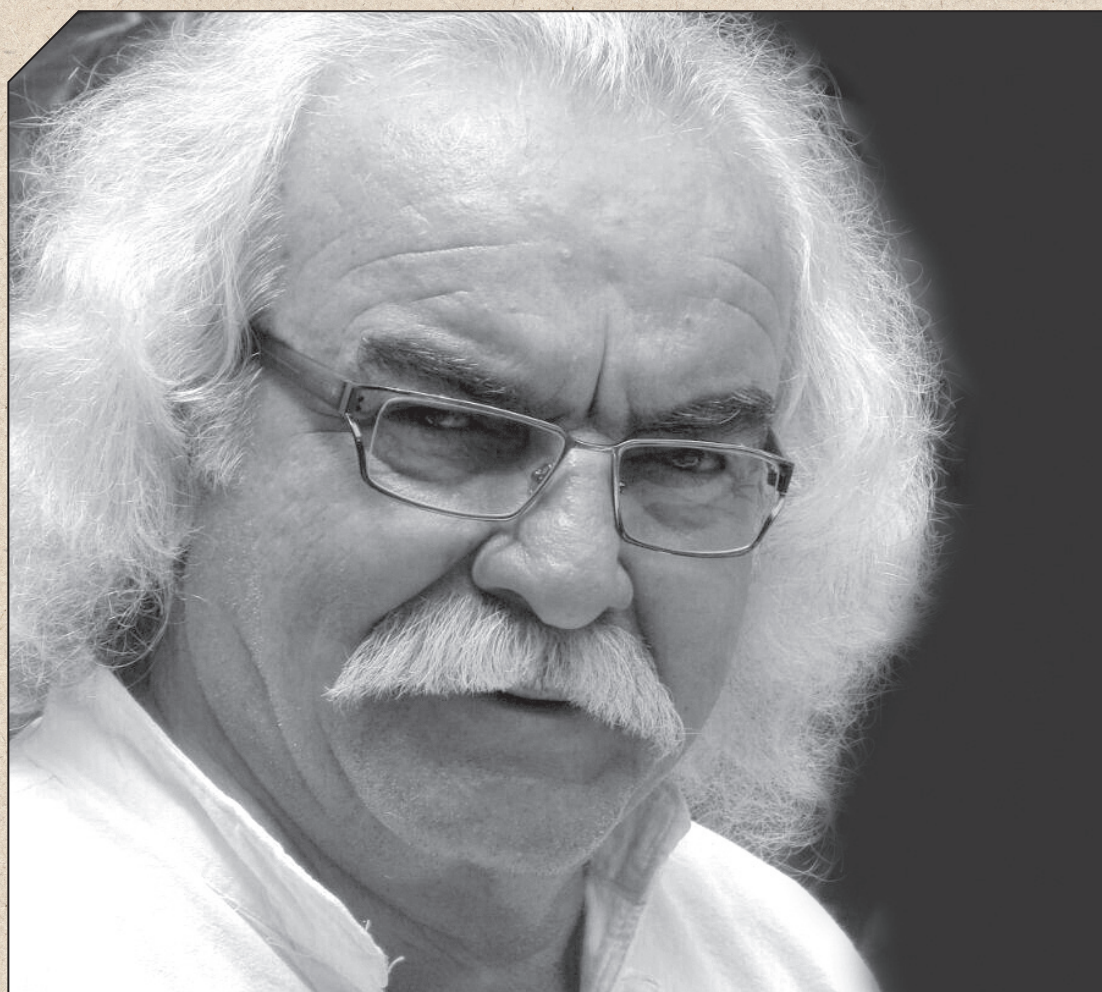
# نشانی‌ها

سیدعلی صالحی

هیچ کس ناگهان به اتفاقی به نام شعر نمی‌رسد. کار شاعری هزاران ریشه و پس پشت و پرونده دارد. مجموعه پدیده‌هایی گه در یک نقطه به یک همگرایی سحر آمیزی می‌رسند، موجب فوران عطیه‌ای به نام شعر می‌شوند. این ظرفیت‌ها و امکان‌ها باید پیش از تولد شاعر مهیا شده باشد. و مهم‌تر از این تشرّف در شرایطی است که پیش روی شاعر بر گزیده، رخ می‌دهد.

[ ادامه در صفحه ۴۸ ]







## داستان

زیر نظر محمد جواد جزینی

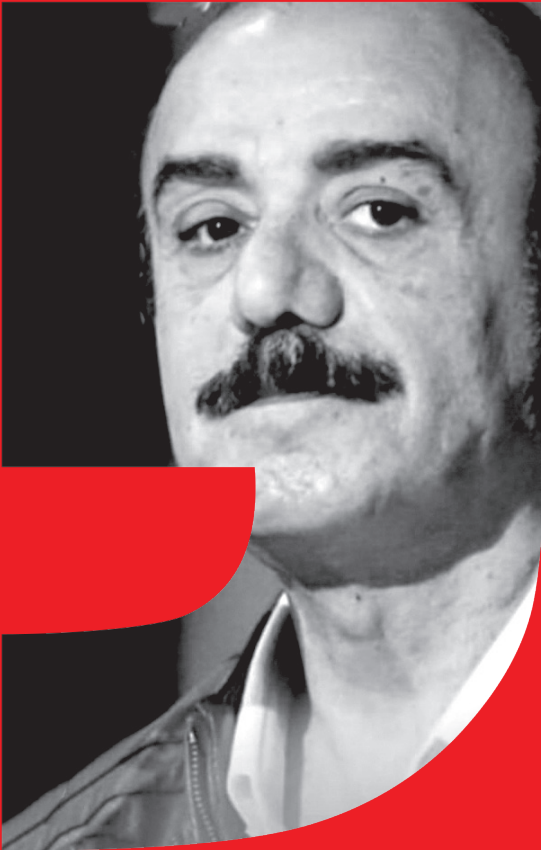
نشاط داودی | ابراهیم خدادوست |

| نوشین ابراهیمی |



شخصیت‌هایی وارد داستان‌هایم می‌کنم  
که از آن‌ها اطلاعات بیرونی و درونی داشته  
باشم؛ اطلاعات بیرونی شاید نشانه‌هایی  
از عالم برزخ با شخصیت انتخابی داشته  
باشد، اما این اطلاعات درونی ست که گاه  
نویسنده را به مخمصه می‌اندازد.

گفت و گویا احمد آرام را  
در صفحه ۱۰۴ بخوانید





معرفی تبلیغ آگهی

دوماهنامه ادبی چامه

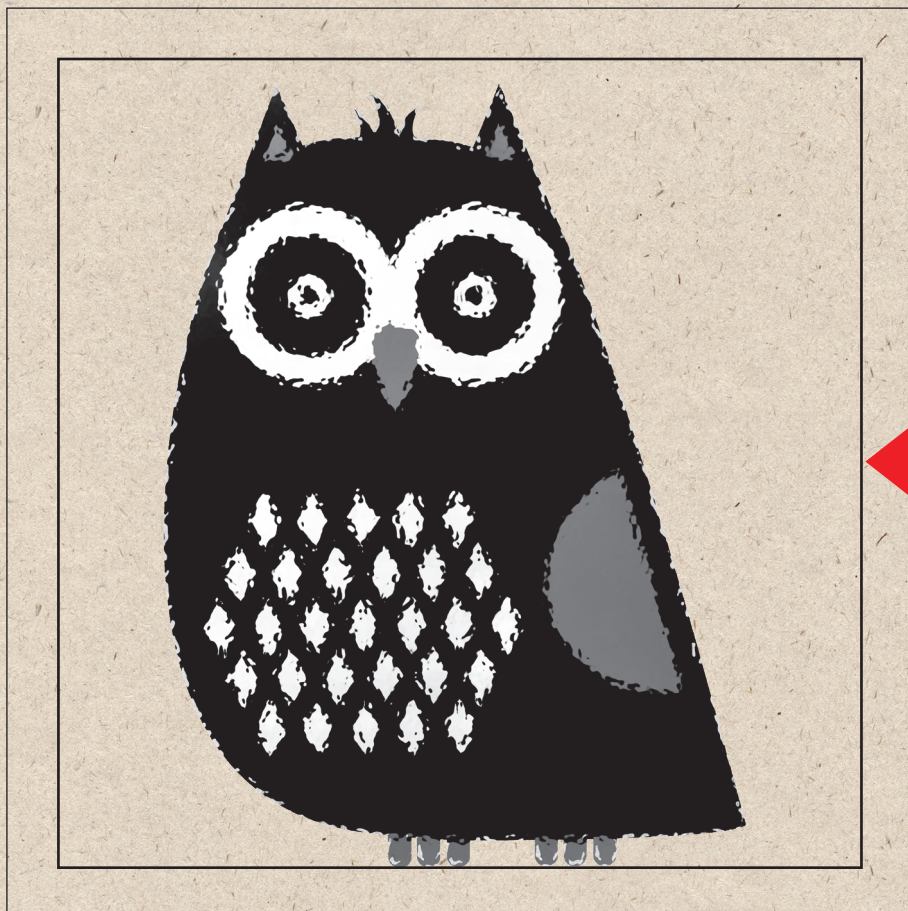
سال سوم، شماره شانزدهم

اسفند ۱۳۹۹ و فروردین ۱۴۰۰



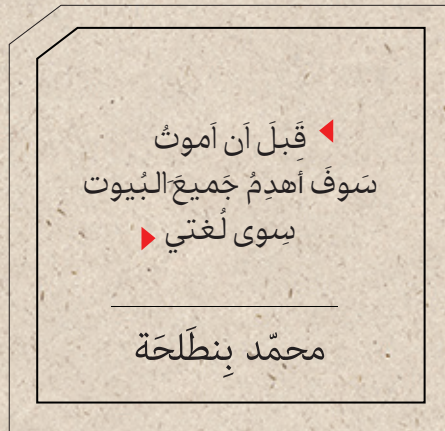
شماره هفدهم مجله‌ی ادبی چامه (اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۰) ویژه‌نامه‌ای برای صدسالگی داستان در ایران خواهد بود. این چامه با همکاری، حمایت و تولید مدرسه‌ی داستان آماده و در اختیار علاقه‌مندان به داستان ایرانی قرار خواهد گرفت.

[c h a m e h 1 3 9 7 @ g m a i l . c o m](mailto:chameh1397@gmail.com)





Interview Story Poem



[www.chamehmag.ir](http://www.chamehmag.ir)